

لایحه دفاعی وکلای منصور اسالو

مولایی و خورشید

بیست چهارم اسفند ماه هشتاد و پنج

ریاست محترم شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب اسلامی تهران؛

موضوع: پرونده کلاسه ۸۴ / ۱۸ / ۷۷۰ / ط / د

مقدمه؛

آقای منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه به اتهام تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی بر ضد امنیت داخلی کشور، ساعت ۹ صبح مورخ ۸۵/۱۲/۵ برای دفاع از خود به اتفاق اینجانبان در شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب حاضر گردید. متأسفانه امید و انتظار آقای اسالو برای چشیدن طعم یک محاکمه عادلانه و منصفانه با قرار گرفتن در یک فضای تهدید و فشار مشابه آنچه که ایشان طی حدود هشت ماه بازداشت و تحمل بازجویی های خلاف قانون آئین دادرسی کیفری و حقوق شهروندی را تجربه کرده بود به سرابی تبدیل گردید. دادگاه غیر علنی نه تنها فرصتی برای احقاق حق و اجرای عدالت فراهم ننمود بلکه تداوم بازجویی در قالب محاکمه خاطرات تلخ دوران بازجویی ها در سلول انفرادی بند ۲۰۹ را برای موکل تداعی نموده و فشار روانی بر او را دو چندان می کند. اعتراض اینجانبان به طرح سؤالات القایی از جانب دادگاه با بی اعتنائی مواجه گردیده و دادگاه ورود وکلا به روند دادرسی و راهنمایی موکل در ارائه پاسخ مناسب و ارائه دفاعیه را به اتمام کار خود با موکل موکول نمود. این شیوه و روش برخورد با وکلا و محروم کردن موکل از بهره مندی از دفاع اهل فن مغایر با اصول محاکمه عادلانه و منصفانه می باشد. در یک محاکمه عادلانه و منصفانه قاضی محترم دادگاه در چالش حقوقی بین دادستان و متهم و وکلای مدافع داور مستقل و بی طرفی است که از حریم قانون، امنیت جامعه و شأن و حیثیت و حقوق شهروندی متهم دفاع می کند و به ارزیابی دلایل له و علیه متهم می پردازد. دادستان تنها وظیفه قرائت کیفر خواست را ندارد، بلکه وظیفه او ارائه دلایلی است که بر پایه و مبنای آن کیفر خواست را تدوین و تنظیم نموده است. رد اعتبار دلایل ارائه شده و تلاش برای ارائه دلایل معارض وظیفه و حق وکلای متهم می باشد، دادگاه محل تأمین دلیل برای کیفر خواست صادره نمی باشد. حرکت دادگاه در مسیر خواست و تمایل دادرسی، موجب تنزل شأن آن شده و مرز بین این دو تأسیس قانونی را درهم می آمیزد و دادگاه را از بی طرفی خارج کرده و اتهام را مترادف با جرم قرار می دهد. تحت این شرایط حق دفاع متهم به عنصر تشریفاتی در روند دادرسی تبدیل شده و اصل برائت فلسفه وجودی خود را از دست می دهد. دادگاه در دوردست فرشته عدالت و فارغ از الزامات قانونی در وادی استنباط ها و پیش داوری ها به جای استماع دفاعیات و ارزیابی دلایل، متهم را برای تسلیم شدن به کیفرخواست تحت فشار قرار داده و از تهدید بی

نصیب نمی گذارد. اینک با توکل و استعانت به خداوند متعال و با اعتقاد راسخ به اینکه او تنها داور عادل و حق مطلق می باشد، این لایحه که ناظر به بیان و اثبات موارد نقض قانون در مراحل تحقیقات مقدماتی و نحوه رسیدگی و نهایتاً رد اتهامات انتسابی می باشد در دو بخش ایرادات شکلی، دفاع ماهوی و مباحث تکمیلی پیرامون تبلیغ علیه نظام و تبانی و اجتماع بر ضد امنیت داخلی می باشد، تقدیم می گردد.

بخش اول

ایرادات شکلی:

الف : دستگیری و بازداشت موکل منطبق با قانون نمی باشد،

آقای اسالو در تاریخ ۸۴/۱۰/۱ بدون رعایت مواد ۳۷ ماده ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۸، ۱۳۲ و ۱۳۴ آئین دادرسی کیفری اصل بیست و دوم، اصل سی و دوم، اصل سی و هفتم و اصل سی ونهم قانون اساسی و مواد یکم و پنجم قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، دستگیر و بازداشت شدند.

ب : محروم کردن موکل از حق معرفی وثیقه مغایر با قانون می باشد،

متعاقب صدور قرار وثیقه به تاریخ ۸۴/۱۰/۳ به موکل امکان تماس با خانواده برای معرفی وثیقه سلب می گردد، تا یکی از نمونه های آشکار نادیده گرفتن روح قانون و استفاده ابزاری از جسم بی جان مقررات و ضوابط قانونی در تاریخ دادرسی های ناعادلانه ثبت گردد، در این خصوص توجه دادگاه محترم را به صفحه ۱۰۹ پرونده متشکله که معطوف به دستور قضائی بازپرس محترم می باشد جلب می نماید: <متهم در بند ۲۰۹ بازداشت باشد و به محض معرفی فردی برای سپردن وثیقه به استحضار برسد>.

ریاست محترم دادگاه آیا در شرایطی که متهم بنا به دستور بازپرس ممنوع الملاقات و ممنوع التماس می بوده و امکان دسترسی به وکیل و خانواده از او سلب شده صدور قرار وثیقه پوششی برای توجیه بازداشت غیرقانونی نمی باشد؟ این سؤال مطرح است که اگر صدور قرار وثیقه منطبق با قانون بود پس چرا بازپرس محترم عملاً و از طریق قطع رابطه موکل با خارج از زندان مانع جدی برای اجرای آن ایجاد نموده است و چنانچه بازپرس محترم قصد صدور قرار بازداشت متهم را داشتند پس چرا قرار وثیقه صادر می نماید؟ تنها یک پاسخ مستدل و موجه برای این پرسش وجود دارد و آن اینکه هیچ دلیل قانونی برای صدور قرار بازداشت و جود نداشته و بازپرس برای نادیده گرفتن الزامات مواد ۳۵، ۳۲ و ۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری به صدور قرار وثیقه غیرقابل اجرا متوسل می گردد. از طرف دیگر تشدید و تبدیل قرار وثیقه به بازداشت فاقد توجیه قانونی می باشد، صرف اظهار اینکه بیم فرار متهم و تبانی با شهود و مفسدها مطرح است، صدور قرار بازداشت و تجدید آن را مستدل و موجه نمی سازد. عدم ارائه هرگونه دلیل و مدرکی در خصوص تبانی و فرار پس از یکسال، به وضوح بی اعتباری قرار صادره را به اثبات می رساند. آقای اسالو متعاقب احیای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی، و در ارتباط با فعالیت های صنفی که کلا در معرض دید و کنترل مأمورین امنیتی و قضایی بود دستگیر گردید. در شرایطی که آقای اسالو حتی به احضار تلفنی مأمورین انتظامی، قضایی و امنیت پاسخ مثبت داده و کوچکترین نشانه و قرینه مبنی بر فرار و تبانی وجود نداشت، و به علت علنی بودن فعالیت های صنفی آقای

اسالو و سایر اعضاء هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و حتی دریافت کمکهای مردمی در معرض نظارت، داوری عموم قرار داشت، هیچ محل و موجبی برای کشف مناسبات و شواهد پنهان وجود نداشت تا صدور قرار بازداشت را توجیه نماید.

همچنانکه اوراق پرونده شهادت میدهد. برای ارائه و آشکار کردن مدارک و شواهد پنهان شده هیچ کسی به بازپرسی احضار و هیچ شهادتی استماع نشده است، از اینرو بیم تبانی با شهود ثابت نمی گردد و مصادیق مفسدهای احتمالی در قرار معرفی نشده است. تحت این شرایط این سؤال به ذهن متبادر می گردد که آیا بازپرس محترم به عمق و گستره مسئولیت خود در رعایت قانون و برقراری تعادل و توازن ما بین حفظ نظم عمومی و احترام به اصل برائت توجه کافی مبذول نموده است؟ این مطلب از دید شعبه ۱۴ دادگاه پنهان نمانده است. چنانچه پس از صدور قرار مجرمیت از طرف بازپرس محترم و تنظیم کیفرخواست از طرف دادرسی، دادگاه محترم در جهت رفع نقض تحقیقاتی اعلام نموده اند که "دادرسی مصادیق و موارد تبلیغ را مشخص نمایند که دادرسی محترم با این استدلال که قاضی پرونده بعد از صدور قرار مجرمیت فارغ از تحقیقات هستند و خواسته دادگاه توسط نماینده دادستان در جلسه رسیدگی اجابت خواهد شد، کیفرخواست غیر مستدل را به دادگاه اعاده نموده اند".

ج- عدم رعایت موازین حقوقی به هنگام تحقیقات مقدماتی و بازجویی ها

آقای اسالو به موجب قرار بازداشتی که از استحکام و مبانی حقوقی برخوردار نبوده و با دلایل قانونی پشتیبانی نمی گردد از تاریخ ۸۴/۱۰/۱ بمدت ۲۳۰ روز در بند ۲۰۹ در اختیار مأمورین امنیتی قرار داده شده است. در طی این مدت موکل به کرات مورد بازجویی های غیر علمی و فنی قرار گرفته طرح سؤالات غیر مفید و القایی و بی ارتباط با موارد اتهامی منجمله مناسبات خانوادگی و روابط شخصی فشارهای روحی زیادی بر او وارد کرده است. با توجه به فعالیت علنی موکل و مشخص بودن مصاحبه ها و اظهارات وی و آگاهی مأمورین امنیتی از مسافرتها موکل، هیچ موجبی برای انجام بازجویی های تکراری وجود نداشت، از اینرو نحوه برخورد با موکل در طول دوره بازداشت معایر با اصول بیست و دوم، بیست و سوم، سی و دوم، سی و ششم، سی و هفتم، سی و هشتم و سی و نهم قانون اساسی، قانون آئین دادرسی کیفری و مواد ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی می باشد.

د- ایراد به صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به جرایم سیاسی،

با عنایت به اینکه اتهامات وارده به موکل سیاسی است و موکل به لحاظ موضع گیریها و اظهارات خود در خصوص نحوه مدیریت مسائل کارگری تحت پیگرد قرار گرفته و مفاد کیفرخواست تنظیمی علیه وی نیز صرفا مرتبط با فعالیت سندیکایی است که فاقد وصف مجرمانه است و اظهارات و بیانات موکل که به قصد حمایت از حقوق کارگران صورت گرفته به فرض تردید در قانونی بودن آن، در حوزه اصل ۱۶۸ قانون اساسی قرار می گیرد. با عنایت به اینکه جرایم سیاسی به سادگی قابل تمیز از جرایم عادی بوده و حتی با فرض عدم تعریف و احصاء مصادیق جرم سیاسی در مجموعه قوانین جزائی، دادگاه محترم به راحتی قادر به انطباق موارد اتهامی با

اصل ۱۶۸ قانون اساسی می باشد و با عنایت به اینکه اتهام تبلیغ علیه نظام و اتهام اقدام علیه امنیت کشور از طریق فعالیت سندیکایی و انتقاد از سیاست ها و روشهای مدیریت مسائل کارگری با فرض داشتن جنبه جزایی در زمره جرایم سیاسی می باشد. لذا صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به اتهامات موکل محل تردید می باشد. اما به فرض اینکه دادگاه انقلاب خود را صالح به رسیدگی بداند، حداقل رعایت دو شرط علنی بودن دادگاه و رسیدگی با حضور هیئت منصفه ضروری است.

ه- عدم رعایت اصول دادرسی عادلانه و منصفانه در جلسه دادگاه ،

فصل سوم از باب دوم قانون آئین دادرسی کیفری ناظر به اصول و موازین دادرسی عادلانه می باشد که در مجموع احترام به حق دفاع متهم، رعایت عدالت، انصاف و بیطرفی و استقلال دادگاه را مورد توجه قرار می دهد. رعایت حق دفاع متهم که بر پایه اصل برائت استوار می باشد، ایجاب می نماید که فضای امن در دادگاه حاکم شود و دادگاه در کمال بیطرفی و استقلال، صبر و حوصله و آرامش، دفاعیات متهم و وکلای وی را استماع و مورد توجه قرار دهد. متأسفانه موکل اینجانبان از این حق طبیعی و قانونی خود بی بهره ماند. ریاست محترم دادگاه با تهدید تلویحی و طرح سؤالات القایی و جانبداری از کیفرخواست و تحقیقات دادرسی، موکل را تحت فشار قرار داده و عملاً جلسه دادگاه را از شأن خود خارج نموده و به سطح جلسه بازجویی تنزل دادند. متأسفانه به اعتراض وکلای مدافع توجهی مبذول نگردید و دادگاه در مسیر اراده ریاست محترم حرکت نمود. بر طبق اصول و موازین ناظر به محاکمات، قاضی محترم به عنوان یک داور بیطرف عادل و شجاع به ارزیابی دلایل کیفرخواست و دفاعیات متهم و وکلای وی می پردازد و در نهایت بر پایه عدالت حقوقی به صدور رأی مبادرت می ورزد، متأسفانه دادگاه در مسیر نیل به عدالت حرکت ننمود .

ریاست محترم دادگاه با طرح سؤالاتی از قبیل نوع تفکر و گرایش فکری افرادی که با متهم رابطه فردی یا دوستانه و یا اجتماعی داشته اند. از جریان عادلانه و منصفانه محاکمه فاصله گرفتند و با طرح سؤالاتی چون آیا افراد دیگر دستگیر شده از منویات ضد انقلابی شما خبر داشتند ایشان را ضد انقلاب قلمداد کردند در حالی که موکل فریاد می زند دفاع وی از سندیکای کارگران شرکت واحد حرکتی است انقلابی و عدالت جویانه و بهبود و ساماندهی اوضاع در محدوده کاری خویش است. یا ریاست محترم حتی از این حد فراتر رفته خطاب بر متهم اظهار داشتند مثل اینکه هوای آزاد به مشام شما سازگار نیست و با این تهدید انتظار داشتند موکل در جهت اراده و خواست ریاست محترم دادگاه به دفاع بپردازند و یا با اعتقاد بر اینکه با متهم با نرمش و مسالمت رفتار شده و در بازجویی تعزیر برای متهم می توانست اعمال بشود. از آقای اسالو می خواستند به کیفرخواست تسلیم گردد که این مشی دادگاه محترم خروج از موضع بیطرفی بود و وقت دادرسی به طرح پرسش و پاسخ صرف گردید و فرجه لازم برای دفاع مشروع در مورد اتهامات وارده ایجاد نشد. امید وکلای آقای اسالو بر این است که با تقدیم این لایحه و عنایت عادلانه و منصفانه ریاست محترم دادگاه به دفاعیات، حکم شایسته صادر گردد.

بخش دوم؛

دفاع ماهوی:

آنچه که مسلم است آقای اسالو در رابطه با فعالیت امور سندیکائی دستگیر شده این امر در مکاتبات مأمورین وزارت اطلاعات و تفهیم اتهام با اتهام غصب عنوان سندیکا توسط قاضی کشیک به ایشان محرز است. سندیکای شرکت واحد تشکلی کارگری و قانونی است و با رأی اکثریت کارگران شرکت واحد شکل گرفته است. آقای اسالو از طرف اعضای هیئت مدیره سندیکا به عنوان رئیس سندیکا انتخاب گردیده و ایشان فقط فعالیت صنفی داشته است و هیچگونه حرکت و اعمال و افعال غیر سندیکایی را قبول ندارد. از جمله مواردی که قضات محترم تحقیق دادرسی را در مسیر استنباط تبلیغ علیه نظام و اخلال در امنیت قرار داده است. مصاحبه ها و اعلامیه های صادره از طرف سندیکای کارگران شرکت واحد است، عمده این اوراق در پرونده ضمیمه می باشد و در هیچ یک از اعلامیه های صادره تبلیغی علیه نظام مشهود نیست و مخاطب سندیکا کارفرما و عواملی است که کارگران را تحت فشار قرار می دهند. در مصاحبه های انجام شده نیز موردی ملاحظه نمی شود که آقای اسالو علیه نظام تبلیغی کرده باشد تمام گفته ها و نوشته ها در راستای دفاع از مطالبات صنفی کارگران بوده و نظام جمهوری اسلامی مخاطب وی نبوده است، هم چنانکه ریاست محترم دادگاه در نقص اعلامی به دادرسی معتقد بر این بوده و خواستار آن بوده اند موارد تبلیغ و مصادیق آن مشخص شود که این امر صورت نگرفته و نماینده محترم دادستان نیز حتی یک مورد مصداق تبلیغ علیه نظام در دادگاه مطرح نکردند. علاوه بر این هرگونه نقل قول از طرف شخص، خبرنگار یا رسانه و یا حتی در اینترنت عنوان گردد که مورد تأیید آقای اسالو نباشد ارزش قضایی نخواهد داشت و هر نوشته و اظهارنظری که از طرف غیر در مورد شخصی اعلام می شود دلیل انتساب آن، پذیرش موارد از طرف شخص مورد نظر است با این استدلال مطالب مندرج در رسانه ها در مورد آقای اسالو، اگر مورد قبول ایشان نباشد دلیل قضائی محسوب نخواهد شد و همچنین تفسیر و تحلیل فعالیت سندیکا در چارچوب قانونی در داخل نظام جمهوری اسلامی از طرف اشخاص و گروه ها و یا بعضا محافل معاند نظام در مسیر کجراهه فکری آنان قرار دارد مسئولیت آن با آقای اسالو و سندیکای کارگران نیست. ریاست محترم دادگاه مستحضرند جهان امروز از لحاظ مدنیت و رشد تکنولوژی در آغاز هزاره سوم قرار دارد و امکانات اطلاع رسانی و گزارش و تحلیل و تفسیر به حدی گسترش یافته که کنترل آن خارج از اراده فردی آحاد جامعه است آنچه حقیقت امر را آشکار می کند موضع و عمل فرد مطرح در رسانه ها است، آقای اسالو فعالیت سندیکائی خویش را محدود به مطالبات قانونی کارگری در داخل نظام جمهوری اسلامی میدانند و هیچیک از اعمال و رفتار خویش را تبلیغ علیه نظام قلمداد نکرده و معتقد است سندیکا تشکلی برای دفاع از حقوق صنفی و مطالبات کارگری بوده و بدور از هرگونه عناوینی است که ممکن است اغیار به آن منتسب کنند.

اگر روزنامه یا هر رسانه دیگری فعالیت صنفی آقای اسالو را دستاویز قرار دهد و در جهت اشاعه و تبلیغ گرایشات فکری خویش اقدام نماید مسئولیت آن با آقای اسالو نیست و نظریه پردازی اشخاص و گروه ها و رسانه ها از نظر قضائی و حقوقی مسئولیتی برای آقای اسالو ایجاد نمی کند، حتی در محدوده ارتباطات فردی نیز منطق عقلانی حکم می کند که اظهار نظر هر فردی برای دیگری مسئولیت حقوقی و قضائی ایجاد نمی کند،

علیهذا آقای اسالو مسئولیتی در قبال اظهار نظر دیگران و نظریه پردازی آنان ندارد اقدامات وی صرفاً صنفی میباشد و در دفاع از حقوق کارگرانی که به وی رأی داده قرار دارد. دفاع از مطالبات صنفی کارگران در حوزه کاری ایشان می باشد و هیچگونه تبلیغی علیه نظام ننموده است.

الف: ماده ۶۱۰ قابل استناد علیه موکل نمی باشد،

این ماده ناظر به ارتکاب جرایمی است که ماهیتاً به صورت دسته جمعی تحقق یافته و یا تشدید می گردد و عمدتاً با توسل به خشونت و حتی اسلحه صورت می پذیرد. اشاره به عنوان محارب در این ماده هم ناظر به وسیله، هم قصد و نیت و هم نتایج و خطراتی است که از فعل مجرمانه متوجه امنیت کشور می گردد، از اینرو قابل تسری به فعالیت های مسالمت آمیز، غیر خشونت آمیز با قصد و نیت خیرخواهانه نمی باشد. در کیفرخواست تنظیمی هیچ دلیلی که حاکی از انجام اقدامات خشونت آمیز توسط موکل باشد ارائه نشده بلکه موکل خود قربانی اقدامات خشونت آمیز افرادی قرار گرفته است که فعالیت مسالمت آمیز صنفی را بر نمی تابند. با توجه به عدم ارائه دلیل از طرف دادسرا در خصوص ارتکاب اعمال مجرمانه موضوع ماده ۶۱۰، موکل و علی الاصول اینجانبان فارغ از دفاع در این مورد می باشیم و صرفاً جهت روشن شدن ذهن دادگاه محترم، دیدگاه خود پیرامون گستره حوزه عمل و شأن نزول این ماده را به بحث می گذاریم، همانطوریکه دادگاه محترم استحضار دارند برای وقوع هر جرمی اتحاد سه عنصر مادی، معنوی و قانونی ضروری می باشد که ذیلاً به پیرامون تحقق عنصر مادی و معنوی مطالبی به استحضار می رساند :

۱- عنصر مادی ماده ۶۱۰ ؛

تحقق مادی جرم اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم، از طریق ارتکاب جرایم با مشارکت حداقل دو نفر میسر می گردد، به عبارت دیگر ارتکاب فعل یا ترک فعل مجرمانه توسط افراد عنصر اصلی و کلیدی تحقق این ماده می باشد، از طرف دیگر نتیجه ارتکاب این جرائم یا آثار آن آسیب رسانی و متزلزل کردن امنیت کشور می باشد در اینجا فعل مجرمانه، اعمال و اقدامات با ویژه گی خاص می باشد که به لحاظ شدت عمل خود یا نتایج زیان بارش در محدوده اعمال و افعال خطرناک قرار می گیرد. بطور مثال ایجاد رعب و وحشت و ارتکاب اعمال شرارت بار، استفاده از سلاح سرد و گرم، راهزنی و آدم ربایی از مصادیق بارز این جرم می باشد. در اینجا علاوه بر عمل مجرمانه، شیوه و وسیله ارتکاب آن و مشارکت حداقل دو نفر ضرورت دارد که با هیچ تفسیر علمی و منطقی نمی توان اقدامات موکل را که حداکثر شامل سخنرانی، صدور بیانیه و برگزاری نشست های صنفی می باشد را از مصادیق جرایم موضوع ماده ۶۱۰ قلمداد کرد.

در صدها صفحه از اوراق پرونده متشکله دلیلی بر ارتکاب جرمی از ناحیه آقای اسالو موجود نیست که مدلول ماده ۶۱۰ تحقق پیدا کند. در کیفرخواست صادره دلایلی در این خصوص قید نشده و نماینده محترم دادستان نیز در جلسه محاکمه هیچگونه دلیلی مبنی بر ارتکاب جرم ارائه نداده اند. اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور استنباط شخصی مأمورین امنیتی و قضات محترم دادسرا بوده است که این امر در مکاتبات و نحوه تفهیم اتهام و سؤالات مطرح شده در مراحل بازجوئی منعکس است. قاضی محترم کشیک در روز اول دستگیری آقای اسالو

اتهام غصب عنوان و اتهام قانونی جلوه دادن سندیکا و ایجاد ناهنجاریهای اجتماعی و.....، به ایشان تفهیم می نماید. آیا این عناوین جرم هستند، که در پی آن موضوع امنیت مطرح باشد؟ مأمورین محترم وزارت اطلاعات در فرم گردش کار مربوط به در خواست تمدید بازداشت آقای اسالو (صفحه ۹۵ جلد اول) اتهام ایشان را غصب عنوان قید کرده اند که هیچ پایه قانونی ندارد. غصب عنوان در مورد مشاغل و عناوین دولتی است و سندیکا شخصیت حقوقی غیر دولتی است و داشتن عنوان آن برای هیچ کسی جرم نیست. مجموع اوراق پرونده و نتیجه تحقیقات انجام شده دلالت بر این دارد که جرم یا جرایمی از ناحیه آقای اسالو واقع نشده است که بر ضد امنیت داخلی باشد.

اعمال و رفتار وی در فعالیت سندیکائی و صنفی وصف مجرمانه ندارد. تشکیل سندیکا با آرای اکثریت کارگران شرکت واحد جرم نیست و شرکت و تجمع کارگران شرکت واحد برای امور صنفی و مطالبات حقوق کارگری منطبق اصل ۲۶ قانون اساسی جرم محسوب نمی گردد. در تحقیقات مقدماتی و در تحقیقات دادرسی و جلسه دادرسی عمده سؤالات مطرح شده بر محور ارتباط آقای اسالو با فرد یا افرادی است که گرایشات خاص خودشان را دارند و این مورد لازم به توضیح است که ارتباط فردی یا اجتماعی آقای اسالو با افراد جرم نیست و تعریف جزائی ندارد. ریاست محترم دادگاه مستحضرند قاضی محترم دادگاه در امر جزائی اختیار تفسیر موسع از قوانین و صدور حکم بر مبنای استنباط شخصی را ندارند و قاضی محترم دادگاه برای داوری بیطرفانه بین دادرسی و متهم در مسند معنوی قضاء مستقر هستند.

۲- عنصر معنوی؛

به لحاظ عنصر معنوی جرم، موضوع ماده ۶۱۰ ماهیتا جرم عمومی است، قصد مجرمانه و بالتبع نتیجه آن آسیب رسانی به امنیت کشور از شروط تحقق آن خواهد بود به عبارت دیگر مرتکب هم می بایستی عامدا با مشارکت حداقل یک نفر برای ارتکاب جرم اقدام کند و هم با سوء نیت نتیجه را جستجو کند.

در شرایطی که هیچیک از فعالیتهای صنفی و سندیکائی جرم محسوب نمی شود و به فرض به رسمیت نشناختن سندیکا، امتیازات قانونی به آن تعلق نمی گیرد. لذا موکل در چهارچوب فعالیت های سندیکایی جرمی مرتکب نشده است تا شناسایی سوء نیت عام و خاص موضوع ماده ۶۱۰ ضرورت پیدا کند. همانطوری که در اوراق پرونده منعکس است و موکل در دادگاه نیز اعلام نمود، هدف و قصد موکل و سایر اعضاء سندیکا، دفاع از حقوق صنفی و قانونی خود از طریق مسالمت آمیز بوده و نتیجه این فعالیت ها نیز تقویت امنیت ملی و جلوگیری از رادیکالی شدن مطالبات گروههای اجتماعی کم در آمد و آسیب پذیر می باشد دفاع از حقوق صنفی کارگران با نیت خیر خواهانه دلیلی است به حسن نیت وی در ساماندهی امور مربوط به حوزه کاری خویش و رفع نواقص حوزه مدیریتی، در نهایت مجموعه اعمال و رفتار آقای اسالو در جهت سامان امور و عدالتخواهی و خیرخواهی است و فاقد هرگونه سوء نیتی است و نتیجتا ماده ۶۱۰ قابل اعمال و انطباق با رفتار و گفتار نوشتار های وی نمی باشد.

ب- ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی قابل استناد علیه موکل نمی باشد،

هر جرمی نیازمند تحقق سه عنصر قانونی، معنوی و مادی است،

۱- عنصر قانونی؛ جرم تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌های مخالف در سال ۱۳۷۵ وارد قانون جزای ایران شد. این دو جرم به علت کلی بودن مفاهیم مندرج در آن و ابهام در عبارت "هر نحو فعالیت تبلیغی نظام جمهوری اسلامی، گروه‌ها و سازمانهای مخالف نظام مطالب مخالف موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی دارای اشکال و با اصل قانونی بودن جرایم معارض و بسته به مشرب فکری و سیاسی مفسر آن قابل تفسیرهای متفاوت است. از اینرو به لحاظ رعایت حال متهم لازم است اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و عدم استفاده از قیاس (منطقی و اصولی) مورد توجه قرار گیرد. در حالیکه در کیفر خواست صادره دادستان محترم تفسیر موسع از ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی را مورد توجه قرار داده است.

۲- عنصر معنوی؛ به لحاظ عنصر معنوی، جرم موضوع ماده ۵۰۰ ق.م.ا. جرمی عمومی است و خواست فعالیت تبلیغی به قصد آسیب رسانی برای نظام، شرط تحقق این جرم است. بنابراین اگر متهم به قصد نقد نه آسیب رسانی به ارکان نظام مطلبی را بیان یا به رشته تحریر در آورد جرم مندرج در ماده ۵۰۰ محقق نخواهد شد. متهم علاوه بر عمد در بیان مطلب یا هر فعلی که جنبه تبلیغی دارد می بایستی در جستجوی نتیجه که آسیب رسانی به نظام جمهوری اسلامی است، نیز باشد.

۳- عنصر مادی؛ در عنصر مادی هم دو مؤلفه حضور دارند، الف: فعالیت تبلیغی به هر نحو ب: علیه نظام جمهوری اسلامی ایران بودن.

منظور از فعالیت تبلیغی انتشار و بیان مکرر یک پیام خاص و ترویج یک تفکر به وسیله مبلغین و مروجین است. اگر چه برای تحقق تبلیغ نیاز به تکرار عمل است و در نتیجه به ظاهر این جرم در زیر مجموعه جرایم به عادت قرار می گیرد، اما با توجه به اینکه عمل مرتکب در جرم، فعالیت تبلیغی است و نه صرف تبلیغ، این جرم در حقیقت در زیر مجموعه جرایم مستمر قرار دارد. در لسان و عرف حقوقی علوم سیاسی فعالیت تبلیغی و ترویجی در مقابل فعالیت علمی تحقیقی قرار می گیرد. تبلیغ و ترویج مبتنی بر صنعت‌های خطابه و جدل است و مخاطبین چنین فعالیتی نوعاً توده مردم غیر متخصص می باشند. فعالیت تبلیغی متأخر از هر فعالیت علمی، تحقیقی است به این معنی که نخست باید توسط عالمان، محققان، نظریه پردازان تدوین شود آنگاه توسط مبلغین و مروجین در میان مردم تبلیغ و ترویج گردد. تفکیک بین فعالیت تبلیغی ترویجی و فعالیت علمی تحقیقی در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی که بالاترین مرجع صاحب نظر در این امر است به چشم می خورد. در مجموعه قوانین سال ۱۳۶۷ صفحات ۱۸ تا ۲۲ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره اهداف و سیاستها و ضوابط نشر کتاب مورخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۷ در بند "ب" ماده ۳ این مصوبه در ضمن بحث از حدود قانونی ابتدا کتبی که محل به مبانی اسلام و حقوق عمومی است و لذا شایسته نشر نیست بر شمرده که از آن جمله است.

الف: تبلیغ و ترویج الحاد و انکار مبانی دینی

ب: ترویج فحشاء و فساد اخلاقی

ج: بر انگیزتن جامعه به قیام علیه جمهوری اسلامی ایران و ضدیت با آن

د : ترویج و تبلیغ مرام های گروههای محارب و غیر قانونی و فرق، همچنین دفاع از نظام سلطنتی و استبدادی و استکباری

ز : تبلیغ وابستگی به یکی از قدرتهای جهانی و ضدیت با خط مشی و بینش مبنی بر حفظ استقلال کشور در تبصره ۲ و ۳ همین مصوبه آمده است موارد ذیل از شمول بندهای مذکور در حدود قانونی خارج است
الف : کتب تحقیقی و علمی در زمینه مکاتب الحادی و غیر آن که فاقد موضع گیری تبلیغی و ترویجی باشد
ب : تبیین مسائل مورد نیاز جامعه در جهت زمینه های اخلاقی و جنسی به دور از تحریک و ابتذال به شیوه علمی جهت آموزش و شناخت

ج : طرح اشکالات و انتقادات و بیان نارسایی های جمهوری اسلامی جهت ریشه یابی و شناخت دقیقتر مسائل و دستیابی به راه حل های مناسب و سازنده با بیان استدلالی و اصلاح طلبانه بدون توهین و افترا
د : طرح و نقل افکار و گفتار مواضع فکری و علمی مخالفان انقلاب و نظام به منظور بررسی محققانه و عالمانه و اندیشه های آنان

خ : نقد و نفی آداب و سنن غلط و انحرافی به قصد اصلاح و بدون شائبه های سیاسی و استعماری
بعلاوه در مصوبه فوق در تناظر بند "ج" ذیل ماده ۳ و بند "ج" تبصره ۲ همین ماده در می یابیم که مراد از تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران دقیقاً بر انگیزتن جامعه به قیام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و ضدیت با آن است نه طرح اشکالات و انتقادات و بیان نارسایی ها در جمهوری اسلامی با بیان استدلالی همچنین در اثر تقابل بند "د" همین ماده در می یابیم دفاع از نظام سلطنتی و استبدادی و استکباری با بررسی محققانه و عالمانه آراء و اندیشه های مخالفان انقلاب و نظام تفاوت بنیادی دارد. اولی ممنوع و دومی مجاز است.
در قانون مطبوعات نیز بین فعالیت تحقیقی که مجاز است با فعالیت ترویجی و تبلیغی که ممنوع است تفکیک شده است. طبق ماده ۳ مطبوعات حق دارند نظرات و انتقادات سازنده پیشنهاد ها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره: انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می باشد.
ماده ۶- نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل محقق می شوند آزادند.

نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد می کند.

تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه حیثیت و منافع نظام ایران در داخل و خارج ایران با تحقیق حقوق فوق، واضح می شود که منظور قانونگذار از واژه فعالیت تبلیغی در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به هیچ وجه فعالیت تحقیقی و علمی و اظهار نظرهای مبتنی بر منطق و استدلال نیست بلکه به قرینه تقابل اظهارات مستمر فاقد پایه های منطقی و استدلالی سطحی و شعاری، بیانات خطابی، غیر علمی غیر سازنده در راستای حمایت از نظامی غیر از جمهوری اسلامی است.

مؤلفه یا عنصر دوم علیه نظام جمهوری اسلامی؛

در این مؤلفه می باید نخست مراد از "علیه" و سپس منظور از "نظام جمهوری اسلامی" را تبیین کرد. مراد از علیه یعنی بر ضد و مقابله و رویارویی و در نهایت علیه نظام یعنی اقدام در جهت براندازی و تغییر نظام و نظام جمهوری اسلامی نظامی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی معرفی شده و از دو رکن اسلامیت و جمهوریت تشکیل شده است. بنابراین علیه نظام جمهوری اسلامی یعنی بر ضد نظام جمهوری با نفی اسلامیت نظام از قبیل تبلیغ جمهوری لائیک، جمهوری سوسیالیستی، جمهوری دمکراتیک غیر اسلامی و یا نفی جمهوریت از قبیل سلطنت مشروطه یا نفی هر دو رکن اسلامیت و جمهوریت از قبیل سلطنت، مشروطه یا مطلقه و مانند آن، فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی یعنی فعالیت غیر علمی و غیر تحقیقی کسی که در ضدیت با نظام جمهوری اسلامی فعالیت تبلیغی می کند و آن فرد نمی تواند معتقد و طرفدار این نظام باشد، بلکه از منکران و براندازان به حساب می آید. این در شرایطی است که موکل برای پیروزی انقلاب تلاش نموده و در جبهه های جنگ تحمیلی شرکت نموده و به قانون اساسی رأی داده و تلاش در چارچوب قانون اساسی و ماده ۲۶، فعالیت سندیکایی را شیوه مناسبی برای تأمین حقوق کارگران که پشتیبان واقعی استقلال، تمامیت ارضی و امنیت کشور می باشند، قلمداد می کند.

علیهذا با عنایت به دفاعیات فوق انتظار دارد دادگاه محترم با رعایت عدالت و انصاف حکم عادلانه مبنی بر برائت آقای اسالو از اتهامات انتسابی صادر فرمایند.

دکتر یوسف مولایی – پرویز خورشید

وکلا آقای اسالو